

**A  
PURPOSE  
FOR  
SUCCESS**



**WRITER**

**SEYYED SALEH FOTOUHI**

بسم الله الرحمن الرحيم

هدفی برای موفقیت

نویسنده

سید صالح فتوحی

## مقدمه

هدف در لغت به معنای مقصد می باشد.

در اصطلاح هدفی وضعیتی ایده آل است که در آینده ای نزدیک یا دور سعی داریم تا به آن وضعیت برسیم. هدف عاملی سودمند و مفید برای افراد است که آنها با تلاش و کوشش در صدد دسترسی به آن هستند. در این کتاب درباره ی اهداف و اهمیت آنها و چگونگی دستیابی به هدف و کسب موفقیت، نکات حائز اهمیتی برای شما مخاطبان بیان می شود.

همه ی افراد در طول زندگی برای خود اهدافی انتخاب می کنند و در  
صدد آن بر می آیند تا به اهداف خود برسند. افراد یک ذات بی نهایت  
طلبی دارند که همواره به دنبال به دست آوردن چیزی هستند آنها هنگامی  
که به یک هدف برسند، اهدافی دیگری برای خود تعریف می کنند و سعی  
می کنند تا به آن اهداف برسند.

برخی از اهداف بزرگ به گونه ای هستند که در بطن خود چندین هدف  
کوچک را دارند و با دستیابی به هدف بزرگ طبیعتاً به هدف های کوچک  
هم دست پیدا می کنیم.

به طور کلی اهدافی که افراد برای خود انتخاب می کنند به دو دسته ی  
اهداف کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می شوند.

اهداف کوتاه مدت اهدافی هستند که مقطعی می باشند و در اصل زمینه  
را برای رسیدن افراد به اهداف اصلی آماده می کنند. یک فرد می تواند بی  
شمار اهداف کوتاه مدت داشته باشد اما نکته ای که باید به آن توجه کرد  
این است که اهداف کوتاه مدت را با اهداف بلند مدت و اصلی خود  
اشتباه نگیریم.

بعضی از افراد، اهدافی کوتاه مدت برای خود تعیین می کنند و با نقشه ای  
که ترسیم کرده اند، دیر یا زود به اهداف خود می رسند اما آنها اهداف  
کوتاه مدت خود را آنقدر بزرگ جلوه می دهند که دیگر هدف اصلی خود  
را فراموش می کنند

اهداف بلند مدت، اهداف آرمانی و اصلی ما هستند. در اصل اهداف بلند مدت آن دسته از اهدافی هستند که با برنامه ریزی دقیق و در طول زمان سعی داریم تا به آنها دست پیدا کنیم.

اهداف در زندگی ما نقش مهمی دارند و سرنوشت ما را تعیین می کنند. زندگی انسان ها با هدف معنا پیدا می کند و در جریان است، بدون هدف انسان فقط ظاهری از زندگی را دارد و در طول زندگی خود هیچ کاری نکرده است. در اصل انسانی که بدون هدف زندگی می کند به دره ی بطالت و پوچی سقوط می کند اگر در زندگی بدون هدف باشیم و هدفی برای خود تعیین نکنیم در مقابل زمانی و فرصتی که برای زندگی به ما داده شده است مسئول هستیم. اهمیت اهداف به اندازه ی فرصتی است که برای زندگی در این دنیا در اختیار ما قرار می گیرد. به عبارتی ما تنها یک بار فرصت زندگی در این دنیا را به دست می آوریم و این فرصت تمدید شدنی نیست پس در انتخاب هدف باید نهایت دقت را به خرج بدهیم. با انتخاب یک هدف اشتباه، فرصت زندگی ما به هدر می رود پس سعی کنیم تا اهداف بیهوده ای انتخاب نکنیم و از زمانی که در اختیار ما قرار گرفته است به خوبی استفاده کنیم و هدفی متعالی برای خود انتخاب کنیم. عده ای از افراد هستند که اهداف بی شماری دارند و برای انتخاب یک هدف واحد سردرگم می شوند و نمی دانند که کدام هدف را انتخاب کنند، بهتر است در انتخاب هدف بیشتر از عقل و توانایی های خود کمک بگیریم تا هدفی خوب را انتخاب کنیم و کمتر تحت تاثیر احساسات قرار بگیریم.



زیرا احساسات عواملی زودگذر هستند و نمی توانند به ما در انتخاب یک هدف مشخص و واحد کمک کنند. عده ای از افراد به دلیل اینکه تحت تاثیر احساسات خود قرار می گیرند، عجولانه و بدون تفکر هدفی را انتخاب می کنند و مسرانه برای دستیابی به آن پافشاری می کنند اما بعد در مسیر هدف متوجه می شوند که رفتار اشتباهی انجام داده اند و هدف خود را اشتباه انتخاب کرده اند.

اهداف افراد با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت ناشی از نوع نگرش و بینش، ذهنیت، توانایی ها، علایق، موقعیت و جایگاه افراد می باشد. یکی از معیار هایی که افراد را از یکدیگر متمایز می کند، متفاوت بودن اهداف آنها است.

هدف یک فرد کسب ثروت است، هدف دیگری رسیدن به شهرت و کسی دیگر هدفش فقط خدمت به مردم است. اهدافی که ما انتخاب می کنیم، هم می توانند مثبت و هم منفی باشند. هدف ما هم می تواند برای جامعه سودمند باشد و هم می تواند مخرب باشد

برای مثال به سراغ آدولف هیتلر رئیس حزب نازی آلمان می رویم. هنگامی که هیتلر به عنوان نخست وزیر آلمان منصوب شد و با قدرتی که کسب کرد، هدفش را بر این گذاشت تا یک آلمان قوی و برتر را ایجاد کند. کشوری با افرادی که دارای نژاد برتر یعنی نژاد ژرمنی هستند. هیتلر با تکیه بر توانایی ها و علاقه ی خود به هدفش ارزش می دهد و آنرا مقدس و پر اهمیت جلوه می دهد. هیتلر آنقدر هدف خود را والا و ارزشمند جلوه می دهد که بسیاری از مردم جذب او می شوند و با او برای ساختن آلمانی

برتر و قدرتمند یک صدا می شوند. هدف جاه طلبانه ی هیتلر منجر به جنگ جهانی دوم می شود، جنگی ویرانگر که تمام نقاط جهان را در بر می گیرد و میلیون ها انسان را می کشد. هدفی که برای بسیاری از جوامع از جمله آلمان گران تمام می شود. شاید هدف هیتلر از نظر نگرش و جهان بینی خودش هدفی ارزشمند بود اما از لحاظ آرمان های اجتماعی و انسانی هدف او یک هدف مخرب برای جهان بود که پیامد های ناگواری در پی داشت.

این نکته را باید بیان کنم که برخی از افراد هستند که اهداف یکسانی دارند اما نوع معیار و ملاک افراد در انتخاب این هدف مشترک متفاوت بوده است.

برای مثال فردی از کودکی هدف خود را بر این قرار می دهد تا در آینده به یک شخص ثروتمند و متمول تبدیل شود. این فرد بر اساس علاقه خود به ثروتمندی و پول و همچنین کارهایی که می توان با پول انجام داد، هدف خود را اینگونه انتخاب می کند. مثالی دیگر اینکه یک فرد در کسب ثروت و مدیریت آن بسیار توانایی دارد. او می تواند به خوبی موقعیت های سود دهی را شناسایی کند و از ضرر کردن زیاد جلوگیری کند بنابراین این فرد تصمیم می گیرد تا به یک شخص ثروتمند و متمول تبدیل شود.

همان طور که دیدید در هر دو مثال هدف افراد یکسان بود، یعنی تبدیل شدن به یک فرد ثروتمند اما نوع معیار و ملاک هر دو برای انتخاب این هدف متفاوت بود.

در برخی از مواقع افراد در حرکت به سمت هدف خود، مسیرشان تغییر می کند. به عبارتی یک فرد هدفی را برای خود مشخص می کند و برنامه ریزی می کند تا به آن دست یابد اما در مسیر حرکت به سمت هدف، هدف فرد تحت تاثیر عواملی مادی و معنوی و شرایط زمانی و مکانی قرار می گیرد و دگرگون می شود و هدفی جدید پیش روی او قرار می گیرد، هدفی که محصول شرایط می باشد و ناخواسته ایجاد شده است.

هدف هر فردی نشان دهنده ی ویژگی های او می باشد. در انتخاب هدف توجه داشته باشیم که به اندازه توانایی و سرمایه های (مادی و معنوی) خود، هدفی را انتخاب کنیم. به طور قطع هر چه توانایی و سرمایه های ما بیشتر باشد باید هدفمان هم به همان اندازه بزرگ باشد. در اصل باید میان هدف و سرمایه ها توازن وجود داشته باشد. باید این را بدانید که اهداف ما سرنوشت و موقعیت جهانی را که در آن زندگی می کنیم رقم می زند. اهداف ما هستند که افراد مخترع، دانشمند، نویسنده و تولید کنندگان را ایجاد می کنند. پس باید به هدف های خود توجه کنیم و برای آنها ارزش قائل شویم. اهداف می توانند مرزهای طبقاتی و معیار های اجتماعی که بوسیله خودمان به وجود آمده اند را جابه جا کنند و حتی بشکنند. هنگامی که یک پسر کشاورز هدفش را بر این قرار می دهد تا در آینده به یک مخترع تبدیل شود، او با هدفش و سعی و تلاش، فراتر از طبقه ی اجتماعی خود گام بر می دارد و قید و بند های دست و پا گیر را می شکند



به یاد بیاورید، هنگامی که توماس ادیسون را در کودکی به حکم ناتوانی از مدرسه اخراج کردند و او را از تحصیل محروم کردند اما ادیسون جوان از طریق مادر خود با دنیای جدیدی آشنا شد و با علوم طبیعی از جمله فیزیک آشنایی یافت. او در آزمایشگاه کوچک خود با طرز کار بسیاری از وسایل آشنا شد و به مطالعه علمی و تجربی فیزیک پرداخت. ادیسون با علاقه در یادگیری فیزیک به سرعت پیشرفت کرد و اولین اختراعات خود را ساخت و در قبال آنها پول های زیادی را دریافت کرد.

توماس ادیسون با کشف علاقه و توانایی خود، هدف خود را بر این گذاشت تا به بزرگترین مخترع جهان تبدیل شود.

هدفی که توماس ادیسون برای خود انتخاب کرد به علاقه و توانایی های او چهارچوبی داد و آنها را در مسیری مشخص قرار داد و اینگونه توماس ادیسون توانست از سرمایه های خود استفاده کند و به هدف خود برسد.

توماس ادیسون با اختراع بیش از ۱۰۰۰ وسیله به هدف خود رسید و به بزرگترین مخترع جهان تبدیل شد.

هدفی که توماس ادیسون برای خودش انتخاب کرد، صرفاً زندگی او را متحول نکرد بلکه تمام جهان را متحول کرد. بسیاری از اختراعات مهم ادیسون مانند لامپ ، دستگاه سینما توگراف، گرامافون و... باعث شدند تا جهان متحول شود.

با اختراعات ادیسون، اکنون زندگی برای انسان ها بیش از پیش آسان تر شده است.

پس هدفی که ادیسون برای خود انتخاب کرد؛ یعنی اینکه به بزرگترین مخترع جهان تبدیل شود، علاوه بر زندگی خودش بر زندگی هزاران نفر و جهان پیرامون آن تاثیر گذاشت

برای مثال دیگر به سراغ مایکل فارادی، مخترع و دانشمند انگلیسی می رویم. مایکل در کودکی پدر خود را از دست داد و ناچار بود برای تامین خرج خانواده و خواهران و برادران کوچک خود به جای ادامه تحصیل به کار در یک صحافی مشغول شود.

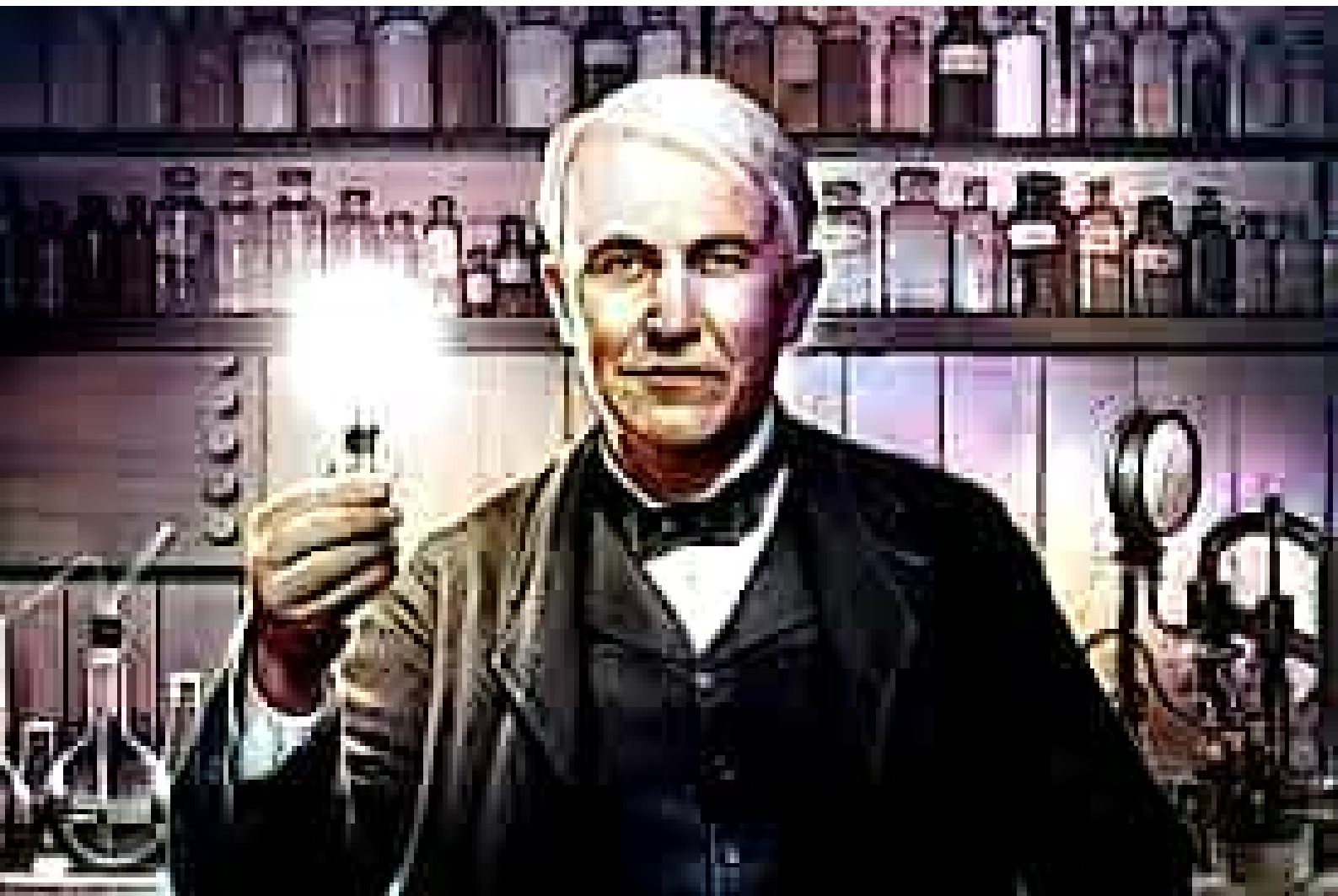
یک صحافی قدیمی و چند کتاب درباره علوم تجربی، مسیر مایکل را تغییر داد. مایکل دیگر به علوم علاقه مند شده بود و نظریات دانشمندان مختلف را مطالعه می کرد. مطالعات مایکل، زمینه این را فراهم کرد تا وی خود به یک نظریه پرداز تبدیل شود. هنگامی که تنها ۲۱ سال داشت برای ارائه نظریه خود به انجمن سلطنتی علوم رفت. استعدادی عجیب کشف شد و مایکل به عنوان دستیار رئیس انجمن سلطنتی علوم انتخاب شد. اکنون فارادی جوان به دنبال آن بود تا بتواند به بزرگترین مقام علمی انگلیس یعنی رئیس انجمن سلطنتی علوم تبدیل شود.

این هدف باعث شد تا فارادی با تلاش و کوشش فراوان، قله های علمی را فتح کند و به ریاست انجمن سلطنتی علوم برسد.

در اصل هدف فارادی برای رسیدن به کرسی ریاست انجمن علوم باعث شد، تا بسیاری از نظریات کاربردی در علم فیزیک تدوین شوند.

همه ی این مثال ها نشان دهنده ی اهمیت هدف در زندگی افراد می باشد.

یک هدف که علاوه بر زندگی خودمان می تواند زندگی دیگران را هم تحت شعاع خود قرار دهد







اکنون که متوجه اهمیت اهداف در زندگی شدید و به این نتیجه رسیده اید که اهداف خود را باید به خوبی انتخاب کنید و به آنها ارزش دهید، به سراغ این موضوع می رویم که چگونه به اهداف خود برسیم. مسلماً رسیدن به هدف، رسیدن به موفقیت است.

پس باید بدانیم که چگونه به هدف خود دست پیدا کنیم یا به عبارتی چگونه به موفقیت برسیم؟

بعد از اینکه هدف خود را در زندگی مشخص کردیم، نوبت این است که برای رسیدن به هدف خود، یک نقشه طراحی کنیم.

در اصل نقشه ای که ما طراحی می کنیم، راهنمای ما در مسیر رسیدن به هدف می باشد. نقشه ما دارای چندین نکته طلایی و مهم برای دستیابی به هدف می باشد.

مهم ترین نکات و عوامل در رسیدن به اهداف عبارتند از: تلاش و کوشش، اراده و پشتکار قوی، انتخاب یک الگو و امیدواری.

تلاش و کوشش: اولین و مهم ترین گام در دسترسی به یک هدف تلاش است. مسلماً بدون تلاش و کوشش هیچ موفقیتی حاصل نمی شود. در مسیر رسیدن به هدف باید ابتدا موانعی که بر سر راه ما وجود دارد را شناسایی کنیم و با تکیه بر توانایی ها و تلاش خود، موانعی که در راه رسیدن به هدف وجود دارد از میان برداریم تا راحت تر به هدف خود برسیم. در اصل تلاش جوهره ی یک فرد برای رسیدن به هدفش است. گاهی اوقات در مسیر هدف به موانعی سرسخت برخورد می کنیم که با

سعی و تلاش فراوان هم نمی توانیم آنها را از سر راه برداریم در این مواقع بهتر است از تکنیک عقب نشینی موقت استفاده کنیم یعنی برای مدتی حرکت به سمت هدف را متوقف کنیم. بسیاری از موانع سرسخت با گذشت زمان مقاومت خود را از دست می دهند و این زمانی است که شما باید دوباره حرکت خود در مسیر رسیدن به هدف آغاز کنید.

اراده و پشتکار قوی: هنگامی که شما هدفی را برای خود مشخص می کنید از همان لحظه باید تصمیم بگیرید و به خود قول دهید تا با تمام توان خود به موفقیت برسید. این بدین معناست که شما اراده ای قوی دارید. فراموش نکنید که اراده شما از فولاد هم قوی تر است.

در مسیر هدف به طور قطعی پستی ها و بلندی هایی وجود دارد و در برخی موارد ممکن است ما در رسیدن به هدف خود شکست بخوریم اما چیزی که این شکست را به فراموشی می سپاراند و شما را برای ادامه مسیر و رسیدن به هدف آماده می کند، یک پشتکار قوی است. داشتن یک پشتکار قوی یعنی اینکه با وجود هزاران بار شکست خوردن باز به راه خود ادامه دهیم. مثال بارز از یک پشتکار و اراده قوی، استیو جابز مخترع و کارآفرین آمریکایی است.

هنگامی که استیو ۲۱ سال داشت به همراه دوستانش یک رایانه را طراحی می کنند و به بازار ارائه می دهند و سپس یک شرکت در حوزه فناوری و محصولات دیجیتالی به نام اپل را تاسیس می کنند. اپل با اختراعات و وسایل دیجیتالی خود به سرعت مسیر پیشرفت را طی می کند و به یک برند مشهور تبدیل می شود اما در یک اختلاف مدیریتی استیو جابز از

شرکت اپل کنار گذاشته می شود. جابز کسی که موسس اپل بود به راحتی از شرکت خود کنار گذاشته می شود اما این انتهای کار نبود. استیو با توانایی های خود و یک اراده ی پولادین شرکتی دیگر را در حوزه فناوری به نام نکست تاسیس می کند. شرکت نکست به سرعت مسیر پیشرفت را طی می کند و ارزش سهام آن به شدت افزایش می یابد. شرکت اپل، سهام شرکت نکست را می خرد و استیو جابز دوباره به اپل باز می گردد. یک پشتکار قوی جابز را دوباره به موقعیت خود باز می گرداند و نشان می دهد هیچ کاری غیرممکن نیست

انتخاب الگو: یکی دیگر از مهم ترین نکات در رسیدن به هدف، انتخاب الگو است. در حقیقت انتخاب یک الگو باعث می شود تا ما با پی و خم های مسیر هدفمان آشنا شویم. همچنین با انتخاب یک الگو متوجه می شویم که راهی که برای رسیدن به هدف طی می کنیم بیهوده نیست و دسترسی به آن هدف ممکن است. با انتخاب یک الگو می توانیم از تجربیات او در مسیر هدف استفاده کنیم و راحت تر به هدف خود برسیم. البته اتکا به تجربه تنها کافی نیست و این تجربه باید با دانش همراه شود.

امیدواری: منظور از امیدواری چیست؟ اینجا می خواهیم بیان کنم که اعتماد به نفس تاثیر زیادی در رسیدن به هدف و موفق شدن دارد. پیش زمینه ی حرکت برای دستیابی به هدف این است که ما به خود اعتماد داشته باشیم. یکی از راه های تقویت اعتماد به نفس این است که زندگینامه افراد بزرگ را مطالعه کنیم. افرادی که با رنج و مشقت ولی با تلاش و کوشش زیاد به موفقیت رسیدند. مطالعه زندگی این افراد و آشنا شدن با آنها باعث می شود تا انگیزه ای در ما ایجاد شود و با اعتماد به نفس و شوق بالا به سمت هدف خود حرکت کنیم البته مهم ترین چیزی که می تواند برای ما مشکل ساز شود، اعتماد به نفس کاذب است. به عبارتی اگر در رسیدن به هدف زیاد از حد بر توانایی های خود بیابیم و هدف را کوچک بشماریم به مشکل بر می خوریم.

سعی کنید در رسیدن به هدف به خود امیدواری دهید و از افکار منفی دوری کنید اما هیچگاه به خود امید واهی ندهید. در مسیر حرکت به سمت هدف ممکن است افرادی وجود داشته باشند که با ناامیدی سعی دارند شما را از حرکت متوقف کنند، تنها کار این است که به این افراد بگوئید نه و به راه خود ادامه دهید و با رسیدن به هدف، خود و تلاش هایتان را ثابت کنید.

در مسیر رسیدن به هدف قبل از فکر کردن به پیروزی و موفقیت، صبوری را تمرین کنید. صبوری را تمرین کنید زیرا قرار نیست شما یک شبه و در مدت زمانی کوتاه به هدف خود برسید. صبوری را تمرین کنید تا هنگام برخورد با موانع از حرکت کردن متوقف نشوید. صبور باشید تا هنگامی که شکست می خورید، خشمگین نشوید و دوباره به راه خود ادامه دهید. صبوری یکی از ویژگی های فردی موفق است که به هدف خود دست پیدا می کند.

در حقیقت، هدف مانند قلعه ای است که بر نوک یک کوه بلند احداث شده است. کوهی که مسیر رسیدن به نوک آن پر پیچ و خم و دشوار است. بدیهی است که در مسیر پر پیچ و خم و دشوار کوه چندین بار در معرض سقوط و لغزش قرار بگیریم اما فرد موفق کسی است که با توانایی، علاقه و اعتماد به نفس مسیر دشوار کوه را طی کند و قلعه را فتح کند، آنگاه موفقیت از آن او خواهد بود.



بدون شک همه ما در زندگی اهدافی را برای خود تعریف کرده ایم که به دنبال دستیابی به آنها هستیم اما این را فراموش نکنید که هدف غایی همه ی ما رسیدن به رستگاری و سعادت است. پس بهتر است اهدافی که برای خود انتخاب می کنیم و در طول زندگی در تلاش برای دستیابی به آنها هستیم ما را تا حد زیادی به رستگاری نزدیک کند و در مسیر سعادت قرار دهد.